

## **The right to "women's clothing" and the Islamic Revolution**

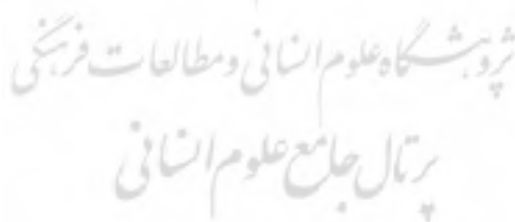
sahel goodarzi\*

Received: 2017/07/12

Accepted: 2017/09/19

Women's clothing has always been one of the most controversial issues in today's society. Islam has issued rulings such as hijab for the individual and collective well-being of human beings. The religious hijab of women in Islam is not digestible for some people and for this reason they oppose it. This study intends to examine the issue of women's clothing in relation to concepts such as human rights and citizenship rights in Islamic Iranian society and answer this important question, is the hijab in conflict with citizenship rights or human rights? Or is it a part of them? Examining the views of the originality of the individual and the originality of society in relation to the hijab has also been explored and helps to complete the discussion. The relationship between hijab and cyberspace is also an up-to-date issue in societies, the study of which has been briefly considered in this study.

**Keywords:** Women's clothing, Citizenship rights, Human rights, Islamic revolution, Cyberspace.



---

\* Ph.D. Student of Private Law, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Hamedan, Iran.

s.goodarzi114@gmail.com

## حق «پوشش زن» و انقلاب اسلامی<sup>۱</sup>

ساحل گودرزی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۸

### چکیده

پوشش زنان همواره از آن دسته مسائل بحث‌برانگیز جامعه امروز بوده است. اسلام در راستای سعادت فردی و جمعی انسان‌ها اقدام به صدور احکامی از جمله حجاب نموده است. حجاب شرعی زنان در اسلام برای برخی افراد قابل هضم نیست و به همین دلیل به مخالفت با آن می‌پردازند. این پژوهش در نظر دارد تا موضوع پوشش زنان در ارتباط با مفاهیمی همچون حقوق بشر و حقوق شهروندی در جامعه ایران اسلامی را بررسی نماید و به این پرسش مهم پاسخ دهد، آیا حجاب در تقابل با حقوق شهروندی و یا حقوق بشر است؟ و یا جزئی از آنها محسوب می‌شود؟ بررسی دیدگاه‌های اصالت فرد و اصالت جامعه نیز در ارتباط با حجاب مورد واکاوی قرار گرفته است و به تکمیل بحث کمک می‌کند. ارتباط حجاب و فضای مجازی نیز از مسائل به روز و مبتلابه جوامع است که بررسی آن نیز در این پژوهش به صورت مختصر مدنظر قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: پوشش زن، حق شهروندی، حقوق بشر، انقلاب اسلامی، فضای مجازی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشجوی دکترا حقوق خصوصی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

## مقدمه

پوشش انسان‌ها از جمله مسائل قابل قبول در هر جامعه‌ای است به گونه‌ای که کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که انسان‌ها در آن برهنه کامل باشند. اما نوع و میزان این پوشش در جوامع گوناگون، متفاوت از یکدیگر است. زنان به علت نوع خلقت خود از زیبایی‌های ظاهری بیشتری نسبت به مردان برخوردارند و این موجب می‌شود، همواره در کانون توجهات دیگران باشند. همین امر خود دلیل محکمی برای نوع و حدود خاص زنان در پوشش نسبت به مردان است. دین اسلام نیز به عنوان دینی همه‌جانبه‌نگر به پوشش زن نیز نگاه ویژه داشته است و احکامی را در زمینه وجوب حجاب زنان صادر نموده است. هر چند حجاب زنان امری مختص به اسلام نیست و قبل از اسلام نیز زنان حجاب بیشتری نسبت به مردان داشته‌اند ولی با گذشت زمان و حاکمیت تفکرات آزادی انسان و اهمیت بیش از پیش به لذات انسانی بر زندگی‌ها، حجاب تا حدودی به عنوان یکی از نمادهای اصلی اسلام محسوب می‌گردد. آیات ۵۳، ۵۵ و ۵۹ سوره احزاب و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور در زمینه حجاب بسیار روشن و واضح به این موضوع پرداخته‌اند. روایات نیز در ارتباط با پوشش زنان فراوان هستند، برای نمونه پیامبر گرامی اسلام در معراج بعد از مشاهده عذاب گروهی از زنان فرمودند: «زنی که به موی سرش آویزان بود به این دلیل بود که مویش را از نامحرم نمی‌پوشاند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷). حجاب امری واجب است و این موضوع مورد اتفاق و اجماع فقهاست (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۶؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۴۹۴-۴۹۵). اختلاف موجود در زمینه حدود پوشش است. اما بر اساس نظر بسیاری از فقهای امامی و اهل سنت پوشانیدن همه بدن، جز صورت و دست‌ها (اصطلاحاً کفین)، واجب است (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۶۰؛ بحرانی، ۱۳۶۷، ج ۲۳، صص ۵۵-۵۶؛ سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، صص ۱۵۲-۱۵۴؛ جزیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۲). با واکاوی در قوانین جمهوری اسلامی ایران، قوانین متعددی در زمینه حجاب و عفاف مشاهده می‌شود که هر کدام به نوعی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با مسئله حجاب مرتبط هستند. این قوانین توسط نهادهای مختلفی از جمله: مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ریاست جمهوری، هیئت وزیران، وزارت علوم، وزارت کشور و... صادر شده‌اند.<sup>۲</sup> قانون اساسی به عنوان ترسیم‌کننده خط‌مشی نظام

حقوقی ایران، در زمینه عفاف و حجاب حکمی ندارد ولی مواردی نظیر بند ۱ اصل سوم، اصل بیست و یکم را می‌توان در راستای حق پوشش زنان تفسیر نمود. در تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، به صراحت برای زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، مجازات حبس ۱۰ روز تا ۲ ماه و یا جزای نقدی در نظر گرفته شده است. این ماده به حجاب شرعی زنان و وجهه قانونی و الزامی بخشیده است و مانعی برای حضور زنان بی‌حجاب در عرصه عمومی است. قوانین مذکور و منشور حقوق شهروندی به تناسب بیان حقوق شهروندان در زمینه حجاب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مخالفتان حجاب زنان به دلایل مختلفی در این زمینه استناد می‌کنند. برای مثال حجاب را در تقابل با حقوق بشر و حقوق شهروندی می‌دانند. در همین راستا این پژوهش سعی دارد با تبیین ارتباط حجاب و حقوق بشر و شهروندی به این ابهامات پاسخ دهد. جهت تکمیل بحث نیز به دیدگاه‌های اصالت فرد و جامعه و تأثیر هر یک از این نگاه‌ها بر پوشش پرداخته می‌شود. این پژوهش حجاب را جزئی از حقوق شهروندی می‌داند که با آن تقابلی ندارد. دیدگاه اصالت فرد و یا اصالت جامعه به تنهایی قابل پذیرش نیستند و تلفیقی از این دو دیدگاه می‌تواند هضم پوشش زنان در جامعه را آسان کند. انقلاب اسلامی ایران نیز به عنوان نظام اسلامی که حجاب زنان را قانونی نموده است، در زمینه اقدام قانونی عملکرد خوب و شجاعانه‌ای را از خود به جای گذاشته است ولی در پیاده‌سازی این قانون با مشکلاتی مواجه است که مهم‌ترین آنها عمل نمودن دستگاه‌های مسئول به وظایف خود در ارتباط با حجاب است. این مقاله از روش توصیفی - کتابخانه‌ای استفاده کرده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

جهت ورود به بحث، ابتدا لازم است مفاهیم ذیل مفهوم‌شناسی گردند تا مباحث بعدی روشن و واضح شوند.

### ۱-۱. پوشش

در لغت‌نامه‌های فارسی پوشش به معنای «۱- عمل پوشیدن، ۲- جامه لباس، ۳- ستر

ساتر حجاب، ۴- پوست لحات، ۵- طبقه اشکوب اشکوبه، ۶- سقف خانه آسمانه، ۷- آنچه از آن سقف سازند از چوب و نی و حصیر و آهن و جز آن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص. ۸۶۹۹)؛ «۱- پوشیدن ۲- جامه، لباس ۳- پرده، حجاب ۴- سقف خانه» (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص. ۱۳۴۰) آمده است.

همان‌گونه که مشخص شد، واژه پوشش با حجاب و ستر مترادف است. حجاب نیز به معنای «پوشش و حجاب درون انسان، یعنی آنچه که بین قلب و اعضای دیگر حائل می‌شود» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۰۷) و همچنین «ستر و پوشش» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۵۰) عنوان شده است.

در اصطلاح نیز حجاب به معنای «نقابی که زنان چهره خود را بدان پوشانند، برقع، روبند، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان پوشانند» (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص. ۱۳۴۰) و نیز به مفهوم «پوشش خاصی که سر و گردن و قسمت برآمدگی اندام زن را بپوشاند و نیز زیورآلات او را طبق موازین اسلامی مستور می‌دارد» (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۰) مطرح شده است.

## ۲-۱. حق شهروندی

باید اظهار داشت واژه شهروند ترجمه انگلیسی لغت citizenship است. از این رو چنین لغتی در لغت‌نامه‌های فارسی معناشناسی نشده است. با توجه به گستردگی استفاده از این لغت در جامعه امروز ایران، چنین لغتی جزئی از فرهنگ مردم شده است و یک لغت آشنا و مستعمل محسوب می‌شود. در معنای اصطلاحی این واژه آمده است «شهروند فردی است که در رابطه با یک دولت از سویی از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار است و از سوی دیگر در برابر آن، تکالیفی برعهده دارد» (موسوی بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲، ص. ۴). در تعریف حقوق شهروندی نیز گفته شده است «حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی که یک شهروند به واسطه زندگی در قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه‌ای میان او و دولت حاکم از آن برخوردار می‌شود» (روشن و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۴). یکی از محققان در بیان مفهوم حقوق شهروندی می‌نویسد: «حقوق شهروندی مجموعه مقررات و قوانینی است که در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضائی جهت اتباع یک کشور به طور یکسان

در نظر گرفته شده و این افراد در مقابل، مکلف به مساعدت مسئولانه در برابر جامعه سیاسی خود (دولت) هستند در واقع حقوق شهروندی روایتی است تازه از حقوق طبیعی، یعنی حقی است که لازم و ملزوم طبیعت انسانی است به عبارت بهتر به واسطه حیثیت انسانی و به جهت کرامت ذاتی که خاص اوست دارای یک سلسله حقوق و آزادی‌هایی شده از قبیل حق حیات، حق احترام، حق آزادی حق مساوات و حق امنیت و...» (موسوی بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲، ص. ۵).

## ۲. حق یا حکم بودن مسئله پوشش زن

لازم است جهت تشخیص حق یا حکم بودن حجاب، ابتدا مفهوم این دو عنوان مشخص گردد. حق و حکم در لسان فقها و حقوقدانان بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است که بررسی تفصیلی این عناوین از موضوع این پژوهش خارج است. در اینجا صرفاً به بیان نظر یکی از محققان در این خصوص اکتفا می‌شود؛ «حق عبارت است از اعتبار سلطه به نفع شخص یا جهتی، نسبت به عین، منفعت به انتفاع یا امر اعتباری که از ویژگی‌هایی چون اسقاط‌پذیری، نقل‌پذیری و انتقال‌پذیری برخوردار است. حکم قانونی است که از ناحیه خداوند متعال برای تنظیم و تکامل حیات مادی و معنوی انسان وضع شده است یا به طور مستقیم به فعل مکلف یا خود او یا به چیزهایی که در ارتباط با فعل او هستند تعلق بگیرد که از ویژگی‌هایی چون عدم جواز اسقاط، عمومیت احکام برای عموم مکلفان، تابعیت احکام از مصالح و مفاسد برخوردار است» (نقیبی، ۱۳۸۵، ص. ۲۱).

حال که مفهوم این دو عنوان روشن شد، باید دید حجاب حکم است یا حق؟ انتخاب هر یک از عناوین حق و حکم در مورد حجاب دارای اثراتی است؛ به عنوان مثال، بر اساس تعریف ارائه شده اگر حجاب حق باشد، قابل اسقاط است و اگر حکم باشد، قابل اسقاط نیست و یا در امر قانون‌گذاری نیز تکلیف مقنن را روشن می‌گرداند که آیا می‌تواند در مورد حجاب قانون وضع کند یا خیر. به نظر نگارنده حجاب هم جنبه حقی دارد و هم جنبه حکمی. باید اظهار داشت حجاب امری مختص به اسلام نیست بلکه قبل از اسلام نیز رواج داشته است. در سایر ادیان نیز حد و مرزی برای پوشش زنان قائل بوده‌اند (مطهری، ۱۳۸۷، ص. ۱۹). اسلام نیز قواعدی را در این راستا مطرح نموده است. با نگاهی به سیر موضوعی و پیوستگی آیات حجاب می‌توان دریافت هدف اسلام از

پوشش صرفاً یک امر شخصی نبوده است، بلکه حجاب را به عنوان یک امر شخصی - اجتماعی مدنظر داشته است و این امر با بررسی تمامی آیات سوره نور به خوبی نمایان می‌شود زیرا شارع در این سوره احکام اجتماعی را بیان نموده است که حجاب نیز یکی از آنهاست (موسوی مبلغ، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۵). از طرف دیگر پوشش یک مسئله غریزی نیز هست؛ با دقت در آیات قرآنی مربوط به داستان حضرت آدم (علیه‌السلام) و حضرت حوا (سلام‌الله‌علیها) و خوردن آنها از میوه درخت ممنوعه نیز این قضیه آشکار می‌گردد. «وقتی هر دو آنها از میوه درخت می‌خورند، ناگاه لباس‌هایشان از تشنان بیرون می‌رود و آنها سعی در پوشاندن بدن خود با برگ درختان دارند» (طه / آیه ۱۲۱). حجاب را نیز می‌توان امری عرفی دانست. داشتن پوشش در هر یک از جوامع برای بشر امری عرفی است به گونه‌ای که به ندرت جامعه‌ای را می‌توان دید که در آن برهنگی کامل عرف جامعه و یا ارزش محسوب شود. اما در خصوص نوع و میزان این پوشش اختلافاتی در جوامع وجود دارد. پوشش حقی بشری است و هر انسانی از این حق بهره‌مند است؛ اما در کنار این حق شخصی، حجاب حق جامعه نیز محسوب می‌شود به نحوی که جامعه به پوشش‌های نامتعارف واکنش نشان می‌دهد و هر پوششی را در درون خود تاب برنمی‌آورد و همین موضوع سبب می‌شود که حجاب علاوه بر حق بودن جنبه حکمی و به عبارت دیگر تکلیفی نیز داشته باشد. حال این حق و تکلیف در جامعه اسلامی برای بانوان دارای ضوابط ویژه خود است هر چند همان‌طور که ذکر شد قبل از اسلام نیز زنان حجاب داشتند و اسلام با امضای آن به این حجاب ضابطه و وجهه دینی بخشید.

### ۳. تحلیل حق پوشش زن به عنوان حق شهروندی

در این قسمت به بیان رابطه میان حقوق شهروندی و حق پوشش زن پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱. تزاخم میان حقوق شهروندی و تکالیف شهروندی

تعریف حقوق شهروندی گذشت؛ آنچه از این تعریف برمی‌آید این است که حقوق شهروندی را می‌توان مجموعه‌ای از حقوق اساسی دانست که انسان به واسطه انسان بودنش از آنها برخوردار است. البته برخی از محققان معتقد هستند، حقوق و تکالیف، توأمان با هم حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهند (مالکی بروجنی، ۱۳۹۶، ص. ۵؛ روشن

و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۵). این مسئله هم ناشی از تلازم حقوق و تکالیف است، هر جایی حقی مطرح می‌شود، تکلیف نیز در پی آن می‌آید و این جزئی از طبیعت حقوق است. «حق و تکلیف ملازم هم هستند و تلازم میان آن دو را می‌توان به دو صورت بیان کرد: ۱- ثبوت هر حقی در خارج برای یک صاحب حق، مستلزم ثبوت تکلیف برای دیگری است و ثبوت تکلیف برای یک شخص، کاشف از ثبوت حقی برای دیگری است؛ ۲- در روابط انسانی، هر انسانی که دارای حق بر دیگران است، تکلیفی نیز نسبت به آنها دارد و چنین نیست که یک انسان صرفاً دارای حقوقی بر دیگران بوده و هیچ تکلیفی نسبت به آنها نداشته باشد» (نبویان، ۱۳۸۶). در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی نیز همین تعریف اخیر مصداق پیدا می‌کند. پس هر شهروندی در قبال حقوقی که دارد، تکالیفی را نیز بر عهده دارد که باید براساس وظایف اجتماعی خویش بر آنها گردن نهد. منشور حقوق شهروندی ایران در سال ۱۳۹۵ توسط دفتر ریاست جمهوری تدوین و رونمایی گردید. فارغ از بحث نقد این منشور، مواردی تحت عنوان حقوق شهروندی در این منشور درج شده است. حقوقی نظیر حق کیفیت زندگی، حق کرامت، حق آزادی و امنیت شهروندی و حق حریم خصوصی را می‌توان از جمله مواردی دانست که با حق پوشش زنان در ارتباط هستند. هر چند حق پوشش زن به عنوان حقی صریح در منشور حقوق شهروندی ذکر نگردیده است ولی این حق منبعث از سایر حقوق اساسی اخیرالذکر است. در ذیل ارتباط حجاب با این حقوق با لحاظ نمودن برخی قوانین به طور مختصر بررسی می‌شود.

### ۲-۳. حجاب و حق کیفیت زندگی

در ماده ۶ منشور حقوق شهروندی آمده است: «شهروندان حق دارند از محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و دینی و تعالی معنوی برخوردار شوند...». به گواه قرآن، حجاب یکی از فضایل اخلاقی و دینی محسوب می‌شود. با توجه به وحدت موضوعی آیات یک سوره، برای مثال در آیه ۳۰ سوره نور، عبارت «أَزْكَىٰ لَهُمْ» و یا در آیه ۵۳ سوره احزاب، عبارت «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» بیانگر اخلاقی بودن حجاب است. از این رو می‌توان حجاب را جزء فضایل اخلاقی دانست که در رشد معنوی فردی و اجتماعی مؤثر است و یکی از مؤلفه‌های حق کیفیت زندگی محسوب می‌گردد که به تصدیق ماده ۶



منشور، باید توسط دولت شرایط احقاق این حق فراهم گردد. فراتر از منشور، بند ۱ اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف به «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» نموده است. طبق توضیحات فوق این اصل را می‌توان در استناد به لزوم اجرای حجاب در جامعه در جهت بهره‌مندی همگان از محیط سالم برای رسیدن به فضایل اخلاقی و در راستای حق کیفیت زندگی تفسیر نمود.

### ۳-۳. حجاب و حق کرامت

خداوند در قرآن کریم صراحتاً به اعطای کرامت به همه انسان‌ها اشاره نموده است (اسراء / آیه ۷۰). این آیه تفاوتی میان زن و مرد در زمینه کرامت قائل نشده است. کرامت یعنی: «حق رعایت عزت نفس آدمی؛ به تعبیر دقیق‌تر: کرامت حقی است بنیادین، مطلق و آمیخته با تکلیف که موضوع آن نفس و ذات آدمی بوده و قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط نمی‌باشد» (باقری، ۱۳۸۶). بر اساس این تعریف، حجاب امری است موجب عزت نفس انسان که سبب ارج نهادن جایگاه و مقام انسانی به ویژه زن می‌گردد. با این مفهوم حجاب با حق کرامت ارتباط مستقیم دارد. «پوشیده بودن زن - در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است - موجب کرامت و احترام بیشتر اوست، زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می‌دارد» (مطهری، ۱۳۸۷، ص. ۹۳). مقدمه قانون اساسی به بازیابی نقش زن اشاره می‌کند و بر لزوم توجه به کرامت زنان تأکید می‌کند. بند ۱ از اصل بیست و یکم نیز دولت را موظف به «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» نموده است که این موارد را می‌تواند در استناد به حفظ کرامت زن استفاده نمود و همان‌گونه که بیان شد، حجاب در راستای حفظ کرامت زن است.

### ۳-۴. حجاب و حق آزادی و امنیت

مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۴ منشور حقوق شهروندی در زمینه حق آزادی و امنیت است؛ ولی منظور این مواد از مصادیق آزادی و امنیت مشخص نیست و همین سبب می‌شود که نیازمند تفسیر باشد. مفهوم آزادی مفهوم فراگیر و مهمی از دیرباز بوده است. مخالفان

حجاب همواره، آن را خلاف آزادی دانسته‌اند. مسئله مهم در زمینه آزادی این است که با چه دید و نگرشی به آزادی باید نگریست؛ اگر آزادی را دستیابی بی قیدوبند انسان به خواسته‌هایش معنا کرد پس حجاب مقوله‌ای مخالف آزادی است ولی اگر بر آزادی نیز که حق مسلم و طبیعی انسان‌هاست، قیود صحیحی زده شود که دارای مشروعیت عقلی و دینی باشند، دیگر موضوعاتی نظیر حجاب، مخالف آزادی نخواهند بود بلکه در کنار آزادی معنا پیدا خواهند کرد. اسلام نیز خود داعیه‌دار آزادی است ولی آزادی‌ای که در جهت حفظ کرامت فرد و جامعه باشد و نه لگدمال نمودن اخلاقیات. حجاب مفهومی است که با اخلاق حسنه رابطه مستقیم دارد و به عبارتی جزئی از آن به حساب می‌آید. عدم رعایت حجاب مساوی است با نادیده گرفتن اخلاق حسنه. قانون‌انگاری اخلاق حسنه در ماده ۹۷۵ قانون مدنی، راه را برای وجهه قانونی دادن به هر آنچه که با این مفهوم مرتبط است را هموار کرده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که عدم رعایت حجاب مخالف اخلاق حسنه است و امری غیرقانونی به شمار می‌رود.

امنیت نیز از حقوق اساسی انسان‌ها من جمله زنان است. امروزه مشاهده می‌شود در غرب زنان تجمعاتی را بر ضد ناامنی برگزار می‌کنند؛ می‌توان اظهار داشت یکی از دلایل اصلی این ناامنی که بیشتر در مسائل جنسی بروز می‌کند، ملتزم نبودن به حدی از حجاب مناسب برای زنان است و در کنار آن استفاده ابزاری از آنهاست. حجاب با داشتن امنیت رابطه مستقیم دارد به نحوی که زن باحجاب نسبت به زن بدحجاب از امنیت اجتماعی بیشتری برخوردار است.

اصل چهارم قانون اساسی را می‌توان دلیلی قانونی و حقوقی در راستای تقنین در زمینه حجاب شرعی به شمار آورد. این اصل بر اسلامی بودن قوانین و مطابق بودن آنها با موازین اسلامی تأکید می‌کند. به طور کلی این اصل مستندی بر قانونی بودن حجاب و در نتیجه در راستای حقوق شهروندی است.

### ۳-۵. حجاب و حق حریم خصوصی

حریم خصوصی از آن دسته از عبارات پرتکرار جامعه امروز است. تعاریف متعددی نیز توسط محققان از آن ارائه شده است. برای نمونه محقق در تعریف آن می‌نویسد: «حریم خصوصی، آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و

کیفر حقوقی، برخوردار می‌باشد و هر گونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست» (اسکندری، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۷). اما در زمینه پوشش باید گفت، قدر مسلم آن است که اصل اولیه آن است که انسان در نوع پوشش خود آزاد است و این هم بر مبنای اصل آزادی انسان است. اما همان‌گونه که قبلاً گفته شد، گاهی آزادی انسان نیز محدود می‌گردد و قیودی بر آن زده می‌شود. پوشش نیز و محدوده آن از جمله قیودی است که دلایل عقلی و دینی و مصالح فردی و جمعی توجیه‌کننده آن است. از طرف دیگر وقتی فرد در جامعه حضور پیدا می‌کند، خواه یا ناخواه خود را در معرض دید دیگران قرار داده است و دیگر نمی‌توان با هر پوششی در جامعه حاضر شد، بلکه باید مقررات و عرف را در پوشش لحاظ کرد و به آن‌ها احترام گذاشت.

### ۳-۵-۱. تزامم میان حریم خصوصی زنان و نگاه مردان نامحرم

نکته دیگری که در اینجا می‌توان مطرح نمود، بحث تزامم میان حریم خصوصی زنان و نگاه مردان نامحرم است. اصولاً آیا میان این دو تزامم برقرار است؟ زن می‌خواهد در اجتماع حضور پیدا کند و این حق هر انسانی است. حال در این حضور اجتماعی زن با نگاه‌ها و توجهاتی بعضاً سنگین و خارج از یک نگاه معمولی و در حد لزوم از سوی مردان مواجه می‌شود. قرآن کریم در آیاتی مردان و زنان را از نگاه‌های حرام برحذر داشته است (سوره نور / آیات ۳۰ و ۳۱). اما بر کسی پوشیده نیست که نمی‌توان با زور و یا قانون دیدگاه افراد را فروبست و یا به خاطر نگاه حرام کسی را تعزیر نمود بلکه مسئله نگاه یک موضوع اخلاقی است. حال می‌توان گفت نگاه حرام مردان نامحرم تجاوز به حریم خصوصی زنان است؟ به لحاظ اخلاقی چنین نگاهی مذموم است ولی در مقابل خداوند متعال برای پوشش زنان حدودی را مقرر نموده است که می‌توان این حدود را خنثی‌کننده چنین تجاوزی دانست. اما وقتی زنی بدون پوشش شرعی وارد جامعه می‌شود، نگاه مردان را به جان خریده است و نمی‌توان آن را تجاوز به حریم خصوصی زنان تلقی کرد.

#### ۴. تحلیل حق پوشش زن به عنوان حقوق بشر

در دنیای کنونی استفاده از اصطلاح حقوق بشر به ویژه در لسان سیاسیون کشورهای مختلف، امری رایج است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز نشانگر اهمیت این حقوق در عرصه جهانی است. در تبیین حقوق بشر گفته‌اند: «حقوق بشر حقوقی است که با تولد انسان محقق می‌شود مستقل از حکومت‌ها و قدرت‌هاست. حقوق بشر حقوقی از آن همه انسان‌هاست و چون همه انسان‌ها اعضای جامعه بین‌المللی هستند و در انسان بودن، مشترک‌اند، حقوقشان باید در همه‌جا یکسان اجرا شود و بین افراد در برخورداری از آن تفاوتی نباشد» (صالحی، ۱۳۷۹، ص. ۲۸). در تفاوت میان حقوق بشر و حقوق شهروندی نیز به رکن تابعیت اشاره شده است که مختص شهروندان است و شهروندان تابع حکومت خاص هستند ولی حقوق بشر فاغ از این قیود است (مالکی بروجنی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۸). با این توضیحات می‌توان گفت، انسان‌ها در عرصه جهانی ابتدائاً از حقوق بشر بهره‌مند هستند و در هر جای جهان که باشند این حقوق باید محترم شمرده شود. اما به محض اینکه انسان‌ها تحت تابعیت حکومتی درآیند باید از حقوق و تکالیف شهروندی نیز برخوردار گردند. حجاب با این تفاسیر در حقوق بشر چندان قابل توجیه نیست و امری قابل توجیه در حقوق شهروندی است. زیرا هر انسانی تابع یک حاکمیت خاص است و براساس قوانین آن کشور زندگی می‌کند. داشتن یا نداشتن حجاب را نمی‌توان امری موافق یا خلاف حقوق بشر دانست بلکه طبق حقوق شهروندی قابل تبیین است.

#### ۵. تزاخم میان اصالت فرد و اصالت جامعه

بحث از اصالت فرد و جامعه از جمله بحث‌های اختلافی میان اندیشمندان است. مجال بررسی مفصل این دو عنوان در اینجا نیست و صرفاً به تعاریفی جهت روشن‌تر شدن موضوع اکتفا می‌گردد. در تعریف اصالت فرد گفته شده است: «دیدگاه اصالت فرد معتقد است فقط فردها هستند که می‌اندیشند و عمل می‌کنند و جامعه به خودی خود هیچ واقعیتی ندارد و چیزی جزء مجموعه افراد و اشکال ارتباطات و مناسبات میان افراد نیست. جامعه حاصل جمع همه افراد آن است نه چیزی و رای آن و مقصود از تأثیر جامعه بر فرد، چیزی جز تأثیر دیگر افراد جامعه بر فرد خاص نیست. مقصود از حقوق و تکالیف فرد در برابر جامعه نیز چیزی جز حقوق و تکالیف فرد در برابر سایر افراد جامعه

نیست» (سوزنجی، ۱۳۸۵، صص. ۴۳ و ۴۴). در مقابل در تعریف اصالت جامعه آورده‌اند: از مسلمانان نیز اقبال لاهوری بر این مبنا معتقد است: «فرد جزو لاینفک جامعه است و هویت شخص در فرهنگ جامعه محو می‌شود. خودی فقط در جمع خودی‌های دیگر و اجتماع رشد می‌کند، نه دور از جمع خودی‌ها؛ زیرا افراد به تنهایی قادر نیستند حاجات خود را برآورده سازند. انسان به صورت جمعی شناخته می‌شود. در این نگرش، جامعه پدیده‌ای عینی تلقی می‌شود. هر فرد باید به جامعه بپیوندد تا هویت خود را در نظام اجتماعی محو سازد و همه عظمت گذشته و آینده امت را در خود جمع کند. از این رو، رشد و تکامل فردی ممکن نیست، مگر از طریق فرهنگ اجتماعی که او بدان تعلق دارد» (خلیلی، بی تا).

نظر سومی نیز وجود دارد که تلفیقی از دو نظر قبلی است. نظر سوم این است که در عین اینکه جامعه واقعاً مرکب است، ولی این ترکیب با ترکیب‌های دیگر فرق می‌کند. این چنین نیست که شخصیت فرد به کلی نابود شده باشد، آن‌چنان که در مرکبات طبیعی، شخصیت عناصر اولیه دیگر هیچ نقشی ندارد، بلکه در عین اینکه جامعه یک شیء مرکب است، عناصر تشکیل‌دهنده جامعه از نوعی شخصیت و آزادی و استقلال بهره‌مندند که این می‌شود اصالت فرد در عین اصالت جامعه و اصالت جامعه در عین اصالت فرد؛ نه اینکه آیا فرد اصیل است و جامعه انتزاعی، یا جامعه اصیل است و فرد انتزاعی (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۵، صص. ۱۳۲ و ۱۳۳). به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت هم اجتماع و هم فرد، نمی‌توان قائل به اصالت یکی از آنها بود و دیگری را نادیده گرفت. همان‌گونه که شهید مطهری قائل به ترکیب این دو بوده‌اند، نگارنده نیز قائل به ترکیب این دو مفهوم است چرا که با توجه به اثرگذاری عملی هر یک از این نظرات، نظریه تلفیق می‌تواند در موضوعات مختلف راهگشا باشد و از صرف فردگرایی و یا صرف جامعه‌گرایی جلوگیری نماید.

#### ۵-۱. اصل آزادی زن در پوشش با نگاهی به نظریات اصالت فرد و جامعه

با توجه به تعاریف ارائه شده، حجاب را بر اساس هر یک از این نظرات می‌توان تحلیل نمود. بر اساس نظر اصالت فرد، وضعیت حجاب به خود شخص برمی‌گردد و این فرد است که نوع و حدود پوشش خود را تعیین می‌کند و در این دیدگاه، جامعه نسبتی با

حجاب ندارد و به تبع حق اظهارنظری هم در این زمینه ندارد. در مقابل حجاب در نظریه اصالت جامعه، امری اجتماعی است و نظر فرد در این زمینه راهی ندارد و جامعه است که نوع و میزان پوشش را معین می‌کند. اما بر اساس دیدگاه تلفیق اصالت جامعه و فرد، حجاب را می‌توان امری شخصی - اجتماعی دانست که فرد و جامعه را در تقابل با یکدیگر قرار نمی‌دهد بلکه حق هر دو را مدنظر دارد. نظر سوم را در ارتباط با پوشش زن می‌توان متناسب با شخصیت وی دانست چراکه هم به کرامت وی و هم به حق انتخاب و آزادی وی نظری همه‌جانبه دارد.

#### ۶. اصل لزوم پوشش شرعی زن

دیدگاه قرآن و فقها در زمینه حجاب بررسی شد؛ حال به لحاظ عقلی و عرفی نیز می‌توان این موضوع را بررسی نمود و دلایلی را در راستای لزوم پوشش شرعی زن بیان کرد.

#### ۶-۱. در جهت حذف نگاه ابزاری به زن

بر کسی پوشیده نیست که در جوامع امروزی نگاه ابزاری به زن بسیار شایع است. این نگاه با به کارگیری زنان با پوشش نامناسب در تبلیغات و یا فیلم‌ها کاملاً مشهود است. اما وقتی به جوامعی نگاه می‌شود که زنان در آنها از حجاب مناسبی برخوردارند و ظاهر خود را دستاویز دیگران قرار نمی‌دهند، دیگر این نگاه ابزاری به زن وجود ندارد و یا بسیار کم است.

#### ۶-۲. در جهت حفظ کرامت زن

به لحاظ عقلی و عرفی پوشیدگی زن مساوی است با جلب نظر احترام دیگران به وی و نفی هر گونه نگاه حرام. در واقع زن باحجاب با پوشش خود به دیگران می‌گوید به اندیشه و شخصیت من توجه کنید و نه به ظاهر من.

#### ۶-۳. در جهت حفظ و استحکام خانواده

«حجاب در اسلام از این منشأ می‌گیرد که محل انواع لذت‌بردن‌های زن و مرد از یکدیگر، تنها باید محیط خانواده باشد و اجتماع منحصراً باید محل کار و فعالیت گردد» (هاشم‌زاده هریسی و پروینیان، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۷). حجاب سبب توجه اعضای خانواده به ویژه مرد به

خانواده خود می‌گردد و همین امر موجب آرامش روانی زن و دلگرمی او نسبت به همسر خویش نیز می‌شود.

#### ۶-۴. در جهت تأثیر بیشتر اجتماعی زن

حضور زن با حجاب اسلامی در جامعه سلامت اخلاقی جامعه را در پی دارد و از طرفی جامعه نیز با دید اثرگذاری زن در مسائل مختلف به او می‌نگرد و به عبارت دقیق‌تر روی اندیشه و نیروی فکری او حساب باز می‌کند در حالی که حضور زن بی‌حجاب به دنبال خود مفاسدی دارد و امنیت اخلاقی خود و دیگران را به خطر می‌اندازد و نگاه‌ها را به جسم خود جلب می‌کند تا به کارایی فکری و عقلی خویش. «حجاب عامل حفظ نیروی کار است و باعث می‌شود که اوقات هر کس در همان مسیر کار صرف شود و وسوسه‌های ناشی از دیدن‌ها، چهره‌سازی‌ها و طراحی برای به دام انداختن‌ها از بین برود» (رهنما و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۵۱).

#### ۷. تزاخم میان آزادی زن در پوشش و منع ناشی از قانون حجاب اجباری

تبیین مفهوم آزادی زن در پوشش به عنوان حق شهروندی گذشت؛ آزادی باید در راستای حفظ سلامت جامعه باشد و جامعه اسلامی این آزادی را با پوشش شرعی زن جلوه دیگری بخشیده است، چراکه واگذار نمودن میزان و حدود پوشش به خود شخص، سبب اعمال سلیق در پوشش می‌شود و این به دنبال خود تبعات منفی بسیاری را برای جامعه در پی خواهد داشت و سبب تقابل آزادی فرد با هنجارهای اجتماعی می‌گردد.

بعد از انقلاب و در راستای فرمایشات حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، داشتن حجاب شرعی برای زنان در سال ۱۳۶۳ قانونی شد و برای زنانی که بدون پوشش شرعی در جامعه حاضر شوند، مجازات در نظر گرفته شد.

بیان شد که آزادی انسان‌ها در پرتو محترم شمردن هنجارهای جامعه معنا پیدا می‌کند و از این‌رو هر اقدام انسان را نمی‌توان تعبیر به آزادی نمود و انسان را در انجام خواسته‌هایش مختار گذاشت، بلکه باید جامعه را نیز در نظر داشت و این در راستای مصلحت عمومی است. حال هر جامعه‌ای قوانین خاص خود را بر اثر تفکراتی که بر آن حاکم است، داراست و بر اساس آنها اداره می‌شود. مردم ایران با انقلاب خود در سال

۱۳۵۷ خواستار حکومت اسلامی شدند و تا امروز نیز همچنان بر سر انتخاب خود هستند، چرا که با حضور در عرصه‌های مختلف به ویژه مشارکت در انتخابات‌های مختلف، این همراهی با حکومت اسلامی را اعلام نموده‌اند. حال حکومت اسلامی نیز باید بر اساس قواعد اسلامی اداره شود و قواعد و ضوابط خاص خود را دارد. حجاب نیز امری شخصی - اجتماعی است و حکومت در بعد اجتماعی آن با اعمال قانون ورود پیدا کرده است. بر اساس مقدمه قانون اساسی، حکومت اسلامی خود را در برابر سعادت انسان‌ها مسئول می‌داند و برای تحقق آن گام برمی‌دارد و بر اساس اصل چهارم نیز قوانین را طبق موازین اسلامی وضع می‌کند. با این دیدگاه قانون حجاب امری لازم است برای جامعه به ویژه جامعه‌ای که با نام اسلام بر سر کار است. آزادی زن در جامعه اسلامی با قواعد اسلامی معنا می‌شود. افرادی که خود را ملتزم به اسلام می‌دانند دیگر به این قانون به چشم اجبار نگاه نمی‌کنند بلکه آن را در راستای سعادت فردی و جمعی و جزئی از لوازم حکومت اسلامی می‌دانند. و اما افرادی که التزامی به حکومت اسلامی و اسلام نداشته باشند، قانون حجاب را اجباری و تجاوز به آزادی قلمداد می‌کنند. اقدام حکومت اسلامی ایران برای قانونی نمودن سراسری حکم حجاب در کشور امری قابل تحسین است چرا که در پی اجرای احکام الهی این قانون صورت گرفت و از طرفی خود مردم نیز خواهان اجرای احکام الهی بودند. اما در زمینه اجرای این قانون و یا زمینه‌سازی و بسترسازی و توجیه نمودن دختران و زنان در خصوص حجاب، عملکرد دولت جمهوری اسلامی را می‌توان تا حدی ضعیف توصیف کرد. تصویب هر قانونی نیازمند بسترسازی‌های مناسب است. با اینکه دستگاه‌های متعددی با حجاب در ارتباط هستند و طبق قانون محدوده وظایفی در این خصوص هستند ولی اثر عملی این وظایف چندان مشهود نیست. لازم است در جهت پذیرش حجاب دستگاه‌هایی نظیر آموزش و پرورش نقش پررنگ‌تری داشته باشند و از طرف دیگر خانواده‌ها نیز به ایفای نقش خود در این زمینه بپردازند.

مقام معظم رهبری در زمینه حجاب می‌فرمایند: «امام در مقابل یک منکر واضحی که به وسیله پهلوی و دنباله‌های پهلوی در کشور به وجود آمده بود، مثل کوه ایستاد، گفت باید حجاب وجود داشته باشد. آن کاری که در ملاء عام انجام می‌گیرد، در خیابان انجام می‌گیرد، یک کار عمومی است، یک کار اجتماعی است، یک تعلیم عمومی است؛ این برای حکومتی که به نام اسلام بر سر کار آمده است تکلیف ایجاد می‌کند. حرام کوچک و



بزرگ ندارد؛ آنچه حرام شرعی است نایستی به صورت آشکار در کشور انجام بگیرد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷).

#### ۸. حق پوشش و انتشار تصاویر در فضای مجازی

گستره استفاده و کاربرد فضای مجازی امری بسیار شایع است و حتی می‌توان گفت، تاحد زیادی اجتناب‌ناپذیر شده است. مشاهده می‌شود، بعضاً افراد در این فضا، اقدام به انتشار تصاویری از خود می‌کنند. برخی از این تصاویر، به ویژه در خصوص زنان، در آنها حدود حجاب شرعی رعایت نشده است و حتی زنانی اقدام به انتشار تصاویر بی‌حجاب از خود می‌کنند. این تصاویر نیز در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. حال سؤال این است که آیا انتشار چنین تصاویری در فضای مجازی مجازات دارد؟ در پاسخ باید گفت که افراد در انتشار تصاویری از خود در فضای مجازی آزاد هستند و هر گونه اطلاعاتی را که تمایل داشته باشند می‌توانند از خود و خانواده‌شان منتشر نمایند. اما از آنجا که فضای مجازی نیز همانند فضای حقیقی در معرض دید عموم قرار دارد و به نوعی بخشی از جامعه محسوب می‌گردد، در خصوص انتشار تصاویر نیز باید حدود و ثغورها رعایت شود. بنابراین انتشار تصاویر زنان بدون رعایت حجاب شرعی نیز مستوجب مفسده است و باید با آن برخورد گردد. در این راستا می‌توان به قانون مجازات اسلامی استناد نمود. در این قانون تظاهر به فعل حرام و جریحه‌دار نمودن عفت عمومی جرم انگاشته شده است. طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵؛ هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

#### ۹. بررسی ادبیات نظری بحث

در زمینه حجاب آثار متعددی وجود دارد که هر کدام از زاویه خاصی این موضوع را بررسی کرده‌اند. در این خصوص می‌توان به کتاب «مسئله حجاب» شهید مطهری (۱۳۸۷) اشاره نمود که موضوع حجاب را با زبانی گیرا بیان کرده‌اند و از مباحثی نظیر تاریخچه و

علل پیدایش حجاب، فلسفه پوشش در اسلام و ایرادات وارد به حجاب بحث نموده‌اند. در مقاله‌ای رهنما و همکاران (۱۳۹۴) تحت عنوان «بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن» به بررسی تحلیلی این موضوع و آثار آن پرداخته شده است و در پایان نیز حجاب را امری الهی دانسته است که آثار فردی و جمعی به دنبال خود دارد و سبب تکامل انسان می‌گردد.

زاهدیان و همکار (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه حجاب در حقوق بشر از دیدگاه نظریه جهانشمولی و نسبی‌گرایی»، حجاب را براساس این دو دیدگاه مذکور بررسی می‌کند و حجاب اسلامی را نمونه‌ای از گفتمان شرقی محسوب می‌کند و معتقد است الگوهای غربی درصدد تغییر حجاب زنان مسلمان هستند.

آیت‌الله هاشم‌زاده هریسی و همکار (بی‌تا) در مقاله «حجاب؛ احقاق یا نقض حقوق شهروندی زن» به بررسی حجاب به عنوان یک حق شهروندی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که حق شهروندی در اسلام بر عقیده و مذهب استوار است و داشتن تابعیت حکومت اسلامی لازمه‌اش، پذیرش احکام اسلامی است و حجاب نیز جزئی از احکام اسلامی است و در پیوند با حق شهروندی است.

نقیبی (۱۳۸۵) در مقاله «تحلیلی بر حکم یا حق بودن حجاب»، حجاب را حکمی الهی می‌داند که قابل اسقاط نیست و بر اساس مصلحت زن وضع شده است و از آثار این حکم بودن، وضع قواعد آمره توسط مقنن در زمینه حجاب خواهد بود.

مالکی بروجنی (۱۳۹۶) در مقاله «نسبت حجاب، حقوق بشر و شهروندی»، حجاب را زمینه‌ساز حق آزادی و امنیت و کرامت و تعالی انسان مسلمان برمی‌شمرد و معتقد است، تعارضی میان حجاب و حقوق شهروندی وجود ندارد و از طرفی عدم رعایت حجاب به اخلال نظم عمومی منجر می‌شود که مستوجب مجازات است.

از باب نمونه به مواردی از پیشینه آثار در زمینه حجاب اشاره شد؛ این پژوهش با لحاظ نمودن نتیجه کار دیگران سعی در رسیدگی به اهم مباحث حجاب دارد و تکیه اصلی بحث خود را بر حقوق شهروندی گذاشته است. در این راستا بهره بردن از نظریه‌های اصالت فردی و جمعی نیز به بحث جلوه تازه‌ای بخشیده است. طرح مباحثی نظیر حق یا حکم بودن حجاب با دیدگاهی متفاوت از سایرین و حق انتشار تصاویر در فضای مجازی و ارتباط آن با حجاب به تکمیل موضوع کمک نموده است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت، حجاب آمیخته‌ای از حق و تکلیف است و هم حق فرد و هم حق جامعه محسوب می‌شود. مواردی نظیر بند ۱ از اصل سوم و اصل چهارم و بند ۱ از اصل بیست و یکم قانون اساسی و ماده ۹۷۵ قانون مدنی را می‌توان در راستای دلیل قانونی برای حجاب تفسیر نمود. حجاب منبعث از حقوقی نظیر حق کیفیت زندگی، حق کرامت، حق آزادی و امنیت شهروندی و حق حریم خصوصی است که همه این موارد جزء لاینفک حقوق شهروندی هستند. از آنجا که هر انسانی تابعیت حکومت خاصی را داراست از این‌رو در حقوق بشر، حجاب از حکومتی به حکومت دیگر موضوعی متفاوت است و به تبع نظرات در مورد آن اختلافی است. اما اسلام انسان را آزاد می‌داند ولی به بهانه آزادی‌های فردی، جامعه را تباه نمی‌کند. بلکه آزادی فردی را در معیت آزادی جامعه معنا می‌کند و بر این اساس، حجاب جزئی از حقوق بشر و حقوق شهروندی اسلامی است و در تعارض با این حقوق قرار نمی‌گیرد. فضای مجازی نیز به علت شیوع استفاده از آن و در معرض دید قرار گرفتن تصاویر و اطلاعات شخص توسط عموم، لازم است مدیریت شود و انتشار تصاویر زنان بدون حجاب شرعی نیز مستوجب برخوردهای لازم گردد.

نمی‌توان انکار نمود، حجاب محدودیت است، ولی محدودیتی است در جهت حفظ کرامت و شخصیت زن. زن هوشمند زنی است که به ارزش واقعی و درونی خود پی ببرد و از موهبت‌هایی که خدا در درون وی به ودیعه گذاشته است سوءاستفاده نکند بلکه در جهت درست بهره ببرد. همین امر موجب ارزشمند بودن زن و تفکرات وی می‌گردد. اسلام به علت اهمیت دادن به ذات زن چنین حکمی را در خصوص پوشش وی مقرر نموده است و گرنه نعوذبالله خداوند با بندگانش سر پیکار و یا تحقیر نمودن ندارد. دید جامعه است که به زن ارزش می‌بخشد.

## یادداشت‌ها

۱. روش این مقاله توصیفی - کتابخانه‌ای است.
۲. جهت مشاهده این قوانین رجوع شود به: مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با عفاف و حجاب و اخلاق و عفت عمومی، مهناز بادران، ۱۳۹۷.

## کتابنامه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲. اسکندری، مصطفی (۱۳۸۹). «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی». *مجله حکومت اسلامی*، سال پانزدهم، (۴)، صص. ۱۴۷-۱۷۶.
۳. بادران، مهناز (۱۳۹۷). *مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با عفاف و حجاب و اخلاق و عفت عمومی*. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
۴. باقری، ابراهیم (۱۳۸۶). «کرامت انسانی در اسناد حقوقی اسلام». همایش بین‌المللی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و قلمرو دین.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۷)، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. قم: بی‌نا.
۶. جزیری، عبدالرحمان (بی‌تا). *الفقه علی المذاهب الاربعه*. بی‌تا: بی‌نا.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، *الصحاح - تاج‌اللغه و صحاح العربیه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶/۱۲/۱۷)، *بیانات مقام معظم رهبری*: <https://farsi.khamenei.ir>
۹. خلیلی، مصطفی (بی‌تا). «اصالت فرد یا جامعه». *مجله معرفت*، (۱۲۶).
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. روشن، محمد؛ بیرانوند، رضا و یاراحمدی، حسین (۱۳۹۳). «حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس». *مجله بصیرت و تربیت اسلامی*، سال یازدهم، (۳۰)، صص. ۱۱۱-۱۳۸.
۱۲. رهنما، اکبر؛ علی‌اکبرزاده آرانی، زهرا و خاری آرانی، مجید (۱۳۹۴). «بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن». *پژوهشنامه معارف قرآنی*، سال ششم، (۲۲)، صص. ۳۷-۵۴.
۱۳. زاهدیان، محمدحسین و صدری ارحامی، محمد (۱۳۹۹). «بررسی جایگاه حجاب در

- حقوق بشر از دیدگاه نظریه جهانشمولی و نسبی گرایی». نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال پانزدهم، (۵۲)، صص. ۸۹-۱۰۵.
۱۴. سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۰۶ق). المبسوط. بیروت: بی‌نا.
۱۵. سوزنچی، حسین (۱۳۸۵). «اصالت فرد، جامعه یا هر دو (بررسی تطبیقی آرای استاد مطهری و استاد مصباح یزدی)». مجله قیاسات، سال یازدهم، (۴۲)، صص. ۶۰-۴۱.
۱۶. شفیعی مازندرانی، سیدمحمد (۱۳۹۰). «چیستی حجاب اسلامی - معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب». مجله پژوهش‌های فقهی، (۲)، صص. ۷۲-۴۹.
۱۷. صالحی، سیدمحمد (۱۳۷۹). «حقوق بشر». مجله گلبرگ، (۹)، صص. ۳۰-۲۸.
۱۸. طباطبایی یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۱۷-۱۴۲۰)، العروة الوثقی. قم: بی‌نا.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: چاپ محمدباقر بهبودی.
۲۰. مالکی بروجنی، نجمه (۱۳۹۶). «نسبت حجاب». حقوق بشر و شهروندی، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، (۱۳)، صص. ۱۳۹-۱۶۷.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمد و مهریزی ثانی، محمد (۱۳۹۲). «حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)». پژوهشنامه متین، سال پانزدهم، (۶۱)، صص. ۲۴-۱.
۲۶. موسوی مبلغ، سیدمحمدحسین (۱۳۸۶). «حجاب، حق شخصی - اجتماعی». فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال سیزدهم، (۵۱ و ۵۲)، صص. ۱۲۳-۱۳۶.
۲۷. نبویان، سید محمود (۱۳۸۶). «حق و تکلیف و تلازم آنها». نشریه معرفت فلسفی، سال پنجم، (۲)، صص. ۲۱۷-۲۵۳.
۲۸. نقیبه، سیدابوالقاسم (۱۳۸۵). «تحلیلی بر حکم یا حق بودن حجاب». ندای صادق، (۴۴)، صص. ۲۴-۱.
۲۹. هاشم‌زاده هریسی، هاشم و پروینیان، فریبا (۱۳۹۷). «حجاب؛ احقاق یا نقض حقوق شهروندی زن». فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال چهارم، پاییز، (۱۳)، صص. ۱۰۷-۱۵۰.